



Islamic City Planning between Ambivalent Theological Discourses of Veiling and Piety

ABSTRACT INFO	ABSTRACT
Article Type short research Authors Mohammad Hossein Badamchi PhD in Sociology, Assistant Professor of Science and Technology Studies, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran *Corresponding Author Badamchi@iscs.ac.ir Article History Received: June 27, 2022 Accepted: September 3, 2022	Method and Materials: after epistemological collapse of rational-technocratic planning which resulted in professional collapse, urban planning theory have got new capacity to study the sociological urban changes and analyze the influence of different discourses on constructing urban spaces. Based on this postmodern understanding of urban planning as a main product of historical challenges in “theology-gender” field of contemporary Iran, urban space seems to be the ground of conflicts between two forces: feminine social force VS theology of gender governance. Goal: after literature review of planning theory evolution in past decades, this paper is going to study Ne’matollah Fazeli’s theory of “feminization of city” in the context of theological discourses of governing gender urban spaces, after Islamic revolution 1979 . Findings: from the perspective of theology of urban planning, it looks that we should segregate between two different discourses in revolution: Veiling and Piety; the former traditional discourse willing to hold women at home out of masculine public sphere while the latter, revolutionary discourse advocates of women political participation in a respectful, cleaned from sexual harassments. Conclusion: Iranian urban space from a gender sensitive view is construction of contestation between these two discourses of veiling VS piety, embedded by two different forces of feminization of urban spaces and patriarchal reaction. A prominent example is the Holy Shrine in Mashhad which includes two opposite spaces: in the new build hall of “Imam Khomeini Ravaagh” we confront an unsegregated space of male and female attendance, while the old part of Holy Shrine is the chambers assigned for men, making walls to veil women from the main part . Keywords: Urban Planning, Theology of gender governance, women and Islamic city, feminization of urban spaces, discourse of Veiling, discourse of piety

برنامه‌ریزی شهر اسلامی در میانه‌ی دو گفتمان الهیاتی حجاب و عفاف^۱

محمدحسین بادامچی*

دکتری جامعه‌شناسی، استادیار گروه مطالعات علم و فناوری مؤسسه
مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت عتف، تهران، ایران

چکیده

مواد و روش: با فروریختن معرفت‌شناختی و حرفه‌ای برنامه‌ریزی عقلانی-تکنوکراتیک، نظریه برنامه‌ریزی شهری ظرفیت نظری تازه‌ای برای در نظر گرفتن و تحلیل تحولات جامعه‌شناختی شهر و تأثیرات گفتمان‌های مختلف در شکل دادن به فضاهای شهری پیدا کرده است. بر پایه این درک پسامدرن از برنامه‌ریزی شهری ذیل یکی از میدان‌های استراتژیک جامعه‌شناسی ایرانی یعنی میدان «جنسیت و الهیات»، فضای شهری آماج دو دسته نیروهای اجتماعی زنانه و الهیات حکمرانی جنسیتی متناسب با آن قرار گرفته است.

هدف: این مقاله پس از مرور تحول مذکور در حوزه نظریه برنامه‌ریزی، خواهد کوشید که نظریه جامعه‌شناختی «زنانه شدن شهر» نعمت‌الله فاضلی را در زمینه گفتمان‌های الهیاتی حکمرانی فضای جنسیتی شهری پس از پیروزی انقلاب قرار دهد.

یافته‌ها: از نظر الهیات برنامه‌ریزی شهری به نظر می‌رسد که باید میان دو گفتمان «حجاب» (veiling) و «عفاف» (piety) درون رخداد انقلاب اسلامی ۵۷ تمایز قائل شد: گفتمان سنتی حجاب که به خانه‌نشین کردن زنان و تک جنسیتی کردن فضاهای عمومی نظر دارد و گفتمان انقلابی عفاف که از حضور زنان در عرصه عمومی و سلامت اخلاقی و عاری از تعرضات و ابژه‌سازی جنسی در روابط مدنی و پایاپای میان زن و مرد دفاع می‌کند.

^۱ این مقاله برگرفته از پژوهش ارائه‌شده‌ی مؤلف در نخستین همایش ملی الهیات شهری در دانشگاه فردوسی مشهد در ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ است. طرح اولیه این مقاله اولین بار در مصاحبه‌ای با مجله عصر اندیشه توسط مؤلف مطرح گردید که در شماره ۲۶م این مجله به چاپ رسید.

نتیجه‌گیری: این دو گفتمان نتایج به‌کلی متفاوتی در برنامه‌ریزی فضاهای شهری پس از انقلاب بر جای نهاده که یکی از نمونه‌های مهم آن تفاوت میان حضور برابر زنان و مردان در «رواق امام خمینی» حرم مطهر رضوی در مقایسه با طرح کلی مستوری و حاشیه‌نشینی زنان در بخش سنتی حرم و معماری سنتی و معمول مساجد است که به‌خوبی بر رقابت میان دو گفتمان الهیاتی حجاب و عفاف در برنامه‌ریزی فضاهای شهری و مواجهه مثبت یا منفی با زنانه شدن محیط‌های شهری دلالت دارد.

کلمات کلیدی: برنامه‌ریزی شهری، الهیات حکمرانی جنسیتی، زن و شهر اسلامی، زنانه شدن شهر، گفتمان حجاب، گفتمان عفاف

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۴/۶]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۶/۱۲]

*نویسنده مسئول: Badamchi@iscs.ac.ir

مقدمه

برنامه‌ریزی به‌مثابه یک دانش و حرفه به‌صورت کلی و برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم آن تا دهه ۱۹۶۰ میلادی نسبت به مقوله جنسیت و نقش زن در حیات شهری دچار کوری بوده است [۶] که از تبعات غلبه پارادایم پوزیتیویستی-تکنوکراتیک بر حکمرانی مدرن به‌ویژه در ساله‌ای پس از جنگ جهانی دوم است [۱، ۲، ۱۲] متشابه با آن بی‌اعتنایی برنامه‌ریزی شهری به لحاظ نظری و عملی به مقوله دین است و به‌رغم فروپاشی پارادایم برنامه‌ریزی تکنوکراتیک بر اثر زلزله‌های معرفت‌شناختی پسامدرن، این تلقی نفوذناپذیر عقلانی-تخصصی از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در برابر جنبه‌های فرهنگی و الهیاتی تا حدود زیادی همچنان بر اندیشه و حرفه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و حکمرانی در ایران امروز مسلط باقی مانده است. [۳، ۴]

در این میان کتاب «زنانه شدن شهر؛ با تأکید بر فضاهای شهر تهران» نوشته نعمت‌الله فاضلی [۹] یکی از معدود آثار و نقطه‌ی عطفی تعیین کننده و البته دیر هنگام است. این کتاب که به لحاظ نظری و روش‌شناختی و امداد دیگر کتاب نویسنده «فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری» است [۱۰] که خود نیز متأثر از چرخش فضایی در حوزه مطالعات شهری است. فاضلی در این کتاب به طرح و توصیف و بسط این دیدگاه می‌پردازد که برخلاف تصور خواننده‌ای مدرن و غربی از جوامع اسلامی معاصر مانند ایران، نه تنها عرصه عمومی و فضاهای شهری فضاهایی تک جنسیتی و مردانه نیستند، بلکه در یک‌صدسال اخیر بر اثر تحولات اجتماعی و سیاسی بنیادینی (از جمله مدرنیزاسیون و انقلاب اسلامی) با روندی از زنانه شدن شهر حضور بیشتر زنان در فضاهای عمومی مواجهیم. با این حال فاضلی در این کتاب به کلی به دو مقوله اساسی دیگر بی‌توجه است: اولاً ریشه‌های الهیاتی مناقشه بر سر استقبال یا ممانعت از حضور زنان در عرصه عمومی و ثانیاً نقش تعیین کننده نیروی برنامه‌ریزی شهری. این مقاله درصدد گسترش انتقادی نظریه زنانه شدن شهر نعمت‌الله فاضلی در این دو جهت است.

مواد و روش‌ها

الف) مفاهیم اولیه

این مقاله به لحاظ روش‌شناختی برنامه‌ریزی شهری را با رویکرد پسامدرن برنامه‌ریزی پس از چرخش عملی دهه ۱۹۶۰ میلادی خوانش می‌کند [۸] که با کنار گذاشتن نقش انتزاعی، ستادی، جهان‌شمول و ابزاری برنامه‌ریزی پوزیتیویستی-تکنوکراتیک آن را در متن مناسبات اجتماعی و تاریخی و سیاسی روایت می‌کند. از این حیث برنامه‌ریزی شهری نه یک منطق کارشناسی یگانه و

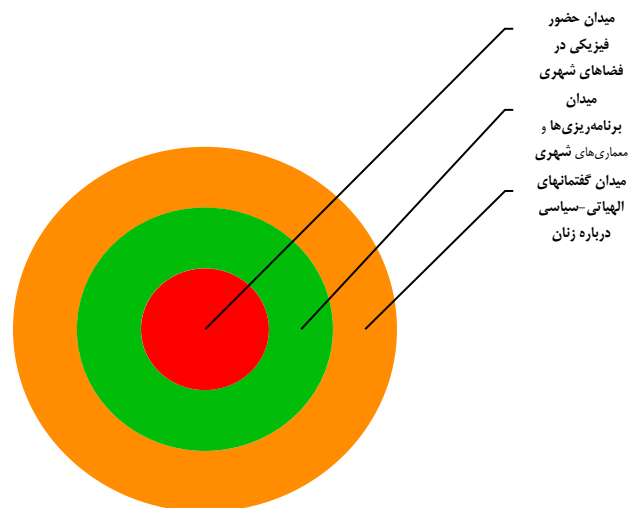
پوشیده در متون سیاست‌گذاری و اسناد رسمی، بلکه یکی از نیروهای عمده اجتماعی-سیاسی در شکل دادن فضاهای شهری است.

مطابق با رویکرد تولید فضا که آن را «نه صرفاً دنیای طرح‌ها، منطق و علم» بلکه چیزی می‌شناسد «که از طریق آن و در پیرامون آن ما به‌عنوان موجوداتی اجتماعی در تلاش برای ساختن زندگی خود و آنچه به آن می‌اندیشیم هستیم» [۹: ۳۵ و ۳۶]؛ فضای شهری میدانی است که دو نیروی عمده در آن وجود دارد: یک نیروی اجتماعی از پایین و یک نیروی برنامه‌ریزی و حکمرانی از بالا. به لحاظ گفتمانی هردوی این نیروها نیز از صورت‌بندی الهیاتی خاصی بهره می‌گیرند. نظریه زنانه شدن شهر فاضلی تنها توصیفی از یک نیروی اجتماعی زنانه از پایین است و دو مقوله دیگر یعنی نیروی برنامه‌ریزی شهری و ریشه‌های گفتمانی هر دو نیرو در الهیات اجتماعی و سیاسی معاصر را مورد بررسی قرار نمی‌دهد و حال آنکه خود اذعان دارد که «زنانه شدن فضاهای شهری امری گفتمانی است». [۹: ۳۹]

ب) طرح مسئله

نعمت‌الله فاضلی در مطالعه‌ای که روی یک محله طبقه متوسط تهران (خ شاهین شمالی) انجام داده، نوع حضور بانوان در محیط‌هایی مثل پاساژ و پارک را به‌عنوان شاخصی از در هم شکستن تصویر تک جنسیتی از عرصه‌های عمومی و زنانه شدن شهر در نظر گرفته است. موضوع بسیار مهم ولی مغفول در دیدگاه فاضلی، وجود یک نیرو و ساخت شهری مردانه است که نه تنها زیرساخت و نظم ثابت موجود است، بلکه نیروی مخالفی است که در برابر حضور عمومی زنان مقاومت می‌کند و

استراتژی‌های مختلفی را به‌طور ساختاری، اجتماعی یا فرهنگی علیه آن به کار می‌گیرد. این ساختار اجتماعی-فرهنگی واقعاً موجود، خود بر ساختاری از معماری و برنامه‌ریزی فضاهای شهری و در لایه دوم بر الهیات حکمرانی پشتیبانی استوار است که سعی دارد زنان را به‌سوی خانه براند و محیط‌های عمومی را زن‌زدایی، زنانه‌زدایی و برای حضور زنان ناامن کند و در مقابل آن است که ظهور و حرکت نیروی اجتماعی زنانه به نحوی پروبلماتیک وجود خود را تحمیل می‌کند، به‌ویژه در اشکالی مشابه آنچه آصف بیات آن را «انقلاب‌های آرام» توصیف می‌کند که به معنای اشغال تدریجی یا بازپس گرفتن فضاهای شهری توسط زنان است. [۵] بنابراین مطابق دیاگرام زیر نوآوری این مقاله این است که می‌کوشد پدیده اجتماعی زنانه شدن شهر را درزمینه‌ی میدان منازعات گفتمانی برنامه‌ریزی شهری مورد بررسی قرار دهد.



دیاگرام شماره ۱: نحوه بازسازی سه‌لایه‌ی نظریه زنانه شدن شهر در میدان‌های جامعه‌شناختی/برنامه‌ریزی شهری/گفتمان الهیاتی-سیاسی

در میان پژوهش‌های به انتشار رسیده در پنج سال اخیر به زبان فارسی و انگلیسی توجه به مسئله زنان در شهر و برنامه‌ریزی شهری در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و طبعاً در این میان توجه به نقش تاریخی گفتمان‌های الهیاتی-سیاسی دامنه بررسی را محدودتر می‌کند. ازجمله مریم فرحزاد و دیگران در مقاله «شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر» در سال ۹۷ بر مبنای برداشتی اولیه از رابطه میان جنسیت و تولید فضا تنها به نظرسنجی درباره احساس حضور فیزیکی زنان در شهر و برخی عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند و علی‌رغم اشاره به برخی محدودیت‌ها بر سر راه مشارکت بیشتر زنان در شهر، حاوی تحلیلی ساختاری-گفتمانی از مسئله نیست و به توصیف کلی و پراکنده بسنده می‌کند. [۱۱] ابراهیم رومینا و دیگران در مقاله «بررسی رابطه فضا و عدالت جنسیتی؛ مطالعه موردی: منطقه ۶ شهر تهران» در سال ۹۷ مسئله نابرابری جنسیتی در فضاهای شهری منطقه شش شهر تهران را با تأکید بر اینکه «فضا امری اجتماعی است که در شبکه تعاملات انسانی ساخته می‌شود» مورد بررسی قرار می‌دهد. [۷] این مقاله با بررسی و تحلیل فضاهای شهری بر نقش ایدئولوژی سیاسی-مذهبی از مجرای قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری بر ایجاد محدودیت و مردانه کردن فضاهای شهری صحنه می‌گذارد اما تفاوت رویکرد آن با مقاله حاضر در اینجاست که صحنه را به نحوی استاتیک، تک‌قطبی حول حاکمیت و غیرتاریخی روایت می‌کند و بینشی درباره دینامیک جامعه‌شناختی-گفتمانی و تاریخی میدان جنسیتی-گفتمانی-شهری ارائه نمی‌دهد. عباس حکیمی‌نژاد در مقاله دیگری که در پنل «جنسیت و فضای شهری در تهران» در کنفرانس دوسالانه

ایرانی درباره آن است، اما در مبنای تحلیلی آن تلاشی برای صورت‌بندی حجاب به‌مثابه گفتمان وسیع‌تری در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری و حکمرانی جنسیتی به چشم می‌خورد. باین‌حال بررسی این موضوع به صفحات نتیجه‌گیری کتاب محدود مانده و مجالی برای بررسی دینامیک الهیاتی و تاریخی این مسئله نیافته است. [۱۴]

یافته‌ها

در چارچوب تحلیلی مطرح شده در این مقاله، زنانه شدن شهر در زمینه‌ای از برنامه‌ریزی شهری و منازعات الهیاتی-تاریخی در حال وقوع است که در پس‌زمینه آن باید روایت شود. در نظام اجتماعی غربی و نظریه اجتماعی مدرن با ریشه‌های یونانی-رومی-مسیحی آن تفکیک‌های اجتماعی پیرنگی وجود دارد که عرصه‌های زنانه و مردانه را به‌طور کامل متمایز می‌کند و با ساختار متفاوتی در نظام‌های اجتماعی شرقی نیز وجود دارد. تفکیک حوزه عمومی/حوزه خصوصی، خیابان/خانه، تولید/مصرف و حاکمیت/تابعیت دوگانه‌های اصلی برسازنده فضاهای شهری هستند که در داخل خود ساختار یا به تعبیر بهتر بر ساخت جنسیتی زن/مرد را حمل می‌کنند: حوزه عمومی بنا به تعریف و لایه‌های گوناگون انسان‌شناختی و معرفتی و سیاسی و اجتماعی آن مردانه است و حوزه خصوصی یا خانه زنانه؛ تولید در کارخانه اتفاق می‌افتد و زنان متولی مصرف‌اند و حکومت و حاکمیت هم یک نهاد مردانه است و سیاست اساساً قلمروی است که حضور زنان در آن ممتنع محسوب می‌شود.

چنین ساختاری در گفتمان‌های مدرنیزاسیون و توسعه و برنامه‌ریزی مدرن شهری نیز مستتر است که به‌طور کلی دیدی

ایران‌شناسی دانشگاه وین با عنوان «زنان در برابر شهرها: مردانگی فضای شهری در ایران سنتی و مدرن» در سال ۲۰۱۶ ارائه داده است که در آن زنان را در فضای شهر سنتی-مدرن قرن بیستم ایرانی به‌مثابه تن‌هایی دانسته که در حال راه رفتن، متون نوشته شده به دست مردان را می‌خوانند. از نظر او برنامه‌ریزی شهری در ایران چه در شکل سنتی و چه در شکل مدرن آن همواره خصلتی مردسالارانه و بالا به پایین داشته که زنان را به‌عنوان جنس دوم و حاشیه‌ای تعریف کرده است. [۱۵]

باین‌حال روایت او نیز فاقد دقت‌های لازم برای درک پیچیدگی‌های میدان قدرت-جامعه-گفتمان، مقاومت زنان و رقابت‌های مداوم میان فرآیندهای متعارض زنانه و مردانه شدن فضاهای شهری به‌ویژه از منظر الهیاتی است.

در مقاله دیگری در همین رابطه توسط علیرضا صادقی و سینا جنگجو با عنوان «ترجیحات زنان و فضای شهری: رابطه میان محیط‌های ساخته‌شده و حضور زنان در فضاهای عمومی شهری در ایران» در سال ۲۰۲۲، اگرچه می‌کوشد مشارکتی در دغدغه‌های جدید فمینیستی در طراحی شهری داشته باشد، اما با فروکاست مسئله جنسیت به «کاربری فضاهای شهری توسط زنان» از درک رابطه میان گفتمان‌ها، جهت‌گیری‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری و نیروهایی که به نفع و علیه حضور زنان عمل می‌کنند ناتوان مانده است. [۱۷]

در میان آثار محدود مرتبط با این حوزه مطالعاتی، کتابی نیز با عنوان «فضای شهری عمومی، جنسیت و تفکیک: پارک‌های شهری مخصوص زنان در ایران» به قلم رضا ارجمند در سال ۲۰۱۷ توسط انتشارات راتلج منتشر شده است. اگرچه تمرکز اصلی این کتاب بر توصیف پارک‌های مخصوص بانوان و تحلیل دیدگاه زنان

منفی به امور و نهادهای زنانه همچون خانه، مادری، کودکی، فرهنگ غیررسمی و زندگی دارند و آنها را به عنوان نهادهای تفننی و دست دوم، فاقد سوژگی، فرعی و حاشیه‌ای در نظر می‌گیرند که در تعبیری حتی به عنوان قلمرو پیرامونی دفع پسماند کل تخریب‌هایی که ساختار مرکزی مدرنیزاسیون انجام می‌دهد عمل می‌کند. در برنامه‌ریزی شهری تکنوکراتیک نیز خانواده و مقولات زنانه نهادهای حاشیه‌ای بر متن شهرسازی به شمار می‌آیند که در طراحی و برنامه‌ریزی اصلی با بی‌اعتنایی کنار گذاشته می‌شوند. [۱۶]

از منظر تاریخ اسلامی اما همان‌طور که فاطمه مرنیسی به‌خوبی توضیح می‌دهد، اسلام منادی دفاع از حضور سیاسی و اجتماعی زن است و به اشکال مختلف می‌کوشد که در برابر هجمه نیروهایی که می‌کوشند زن را به‌مثابه ابژه جنسی به کنج خانه‌ها تبعید کنند از کرامت زن دفاع کند. [۱۳] علاوه بر موارد بسیار مهمی از حضور سیاسی پررنگ زنان در اسلام به‌ویژه در موارد بسیار حساس و استراتژیک مداخلات فاطمه زهرا و زینب (س) و میدان‌داری زنان پیامبر (ص) در مسائل مختلف اجتماعی؛ مراسمات مهم دینی و عمومی اسلامی و شیعی نظیر حج، مراسم عاشورایی و پیاده‌روی اربعین نیز بدون تفکیک جنسیتی و با اصرار بر مشارکت پایاپای زنان و مردان برگزار می‌شود که تاریخ معاصر ایران با مشارکت گسترده زنان در پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷ به اوج می‌رسد. در مقابل این نیرو اما ائتلافی از برنامه‌ریزی شهری مدرن و الهیات سنتی زن‌ستیزانه نیز در خلاف جهت چنین خوانشی حضور تاریخی دارد که متناسب با ادبیاتی که حول این موضوع به‌ویژه در چند دهه اخیر شکل گرفته است می‌توان آن را به‌مثابه «منازعه میان دو گفتمان

رقیب حجاب و عفاف» تقریر کرد. به لحاظ تاریخی رخداد انقلاب اسلامی ۵۷ را می‌توان لحظه پارادوکسیکال پیروزی گفتمان عفاف اسلامی بر گفتمان مردسالارانه مدرنیستی پهلوی که زنان را به عنوان موجوداتی غیرسیاسی و ابژه جنسی مردان قلمداد می‌کرد و همزمان آغاز انشقاق این دو گفتمان در میدان الهیاتی-برنامه‌ریزی شهری پیروز شده دانست.

در لحظه وقوع انقلاب اسلامی این دو گفتمان که هنوز تمایز آنها تمییز داده نمی‌شود، در ائتلاف و رقابت و تنازع مبهم و پنهانی قرار دارند و این وضعیت پیچیده تا همین امروز ادامه دارد. حجاب، گفتمان الهیات سنتی درباره زنان است که حتی حضور زنان در تظاهرات خیابانی علیه رژیم شاه را بر نمی‌تابد و برخلاف نظر رهبران انقلاب زنان را فاقد عقل سیاسی و معاف از پرداختن به سیاست دانسته و حتی مداخله آنها در عرصه عمومی را فاسدکننده و مخرب قلمداد می‌کند. به این معنا «حجاب» بنیان گفتمانی آن نظام سیاستی و برنامه‌ریزی شهری و فضایی است که تفکیک فضاهای زنانه/مردانه به معنای تک‌جنسیتی کردن عرصه عمومی و پرده‌نشینی و خانه‌نشینی زنان را دنبال می‌کند و در پی برطرف کردن حضور اجتماعی زنان به عنوان مشکل و آسیب فرهنگی است. در نقطه مقابل «عفاف»، گفتمانی است مبتنی بر حذف تعرض جنسی و بهره‌کشی و حذف هر نوعی از ابژه شدن جنسی در فضای عمومی. نقش زنان در وقوع انقلاب اسلامی مورد اذعان رهبران انقلاب قرار دارد تا جایی که به تعبیر دیدگاه متقدم امام خمینی درباره مشارکت سیاسی زنان در جریان قیام خرداد ۴۲ به تثبیت فقهی و حقوقی بی‌چون و چرای حق رأی زنان با پیروزی انقلاب منجر می‌شود و حال آنکه گفتمان دینی سنتی و بسیاری از آموزه‌های فرهنگی

سنتی اصرار ویژه‌ای بر استحباب خانه‌نشینی زن حتی با تعابیری چون دستور حصر زن در خانه و نظایر اینها همچنان در فضای فرهنگی متدینین وجود دارد.

در میدان اجتماعی (از پایین) و برنامه‌ریزی (از بالا) فضاهای شهری، این دو گفتمان دو نیروی متضاد ایجاد می‌کنند. گفتمان عفاف سعی دارد فضا را برای بانوان باز کند و فضای شهری را برای زنان امن کند تا زنان بتوانند بدون تعرض کسی وارد سطح شهری و عمومی شوند و گفتمان حجاب برعکس، معتقد است ورود زنان باید عرصه عمومی باعث برهم خوردن نظم اخلاقی مردانه حاکم است و در عوض بر ناامن‌بودن و ناامن‌شدن فضاهای عمومی برای زنان و لزوم هدایت کردن این گروه به نواحی حاشیه‌ای جامعه و فضاهای شهری تأکید دارد.

تحلیل گفتمانی فضا در مساجد در مقایسه با عدم تفکیک جنسیتی فضای عمومی در مراسم مهمی مانند حج، نمونه کاملی از غلبه گفتمان حجاب بر گفتمان عفاف است. به‌علاوه تفکیک جنسیتی در مساجد به‌هیچ‌وجه به معنای تقسیم نصف‌نصف فضا نیست بلکه ساختاری است که مرکز در قسمت مردانه است و بخش زنانه همواره حاشیه‌ای بر متن است که امور زایدی مثل نگهداری از کودکان نیز به آن محول می‌شود، ضعیف‌ترین بخش ساختمان به لحاظ نور و صدا و سکونت و گرمایش و سرمایش است و معمولاً از نظر سخنران و بانیان مجلس، عامل بالقوه‌ی مختل‌کننده نظم مرکزی مردانه هم تصور می‌شود. در مسجد یک رابطه عمودی در تفکیک جنسیتی زنانه و مردانه مسجد وجود دارد، نه یک رابطه افقی و مساوی. چنین ساختار تبعیض‌آمیزی از تقسیم جنسیتی فضاهای شهری البته به‌واسطه بنیان الهیاتی و قوام اجتماعی آن در تالارهای عروسی،

سرویس‌های بهداشتی، آرایشگاه‌های زنانه و مدارس دخترانه نیز تسری یافته است و در تکامل یافته‌ترین شکل آن به‌صورت فضاهای مطلقاً مردانه در برخی از قدرتمندترین نهادهای اجتماعی همچون پادگان‌ها و مناطق نظامی، شوراهای عالی تصمیم‌گیری سیاسی و سطوح فوقانی اداری و اقتصادی و فرهنگی بروز می‌کند.

اما از نمونه‌های متأخر از جریان یافتن گفتمان مقابل عفاف در برنامه‌ریزی فضاهای شهری که چارچوب سنتی معماری سنتی مساجد و امام زادگان را به چالش کشیده، می‌توان به «رواق امام خمینی» در حرم مطهر رضوی اشاره کرد که حضور غیررسمی و مختلط خانوادگی در صحن و فضاهای باز را در داخل حرم به رسمیت شناخته و درواقع برخلاف ساختار اندرونی-زنانه/بیرونی-مردانه حرم که امر عمومی در فضای مردانه در جریان است، فضای عمومی مشترکی را پدیدار کرده است. از این حیث رواق امام خمینی را می‌توان از آثار تکانه بزرگ انقلاب اسلامی در بیداری و دفاع از نقش سیاسی و اجتماعی زنان در میدان برنامه‌ریزی شهری در خلاف گفتمان سنتی پرده‌کشی و تفکیک جنسیتی و گسترش حجاب به فضاهای شهری تلقی کرد.

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی شهر اسلامی در رابطه با زنان در چند دهه اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی گرفتار مناقشه دامن‌داری میان دو گفتمان حجاب و عفاف است که اولی حضور زنان در عرصه‌های عمومی را محل به نظم اخلاقی تک جنسیتی جامعه دانسته حجاب را مثابه استراتژی خانه‌نشینی کردن زنان به کار می‌گیرد و دومی برعکس از حضور اجتماعی و سیاسی زنان دفاع کرده و

presentation in second conference of Methodology studies in Iran. Institute for Social and Cultural Studies, December 11, 2021 (in Persian)

[5] Bayat, Asef. Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East, Trans. By Fatemeh Sadeghi, Published by Engare website, 2011 (in Persian)

[6] Peake, Linda, "Gender in the City". In Rob Kitchin and Nigel Thrift (eds) The International Encyclopedia of Human Geography, Amsterdam: Elsevier, Trans. By Atena Kamel & Sayna Maghsudi, published in <http://dialecticalspace.com/gender-in-the-city/>, 2017 (In Persian)

[7] Roumina, Ebrahim, Teymori, Ghasem, & Ahmadipour, Zahra. Study the relationship between space and gender justice; Case Study: Region 6 of Tehran. Research Political Geography Quarterly, 2018; 3(2), 141-162.. doi: 10.22067/pg.v3i4.85554

[8] Sarrafi, Mozaffar, Tavakkolinia, Jamileh, Chamani Moghaddam, Mahdi. Planners' Position in the Iranian Urban Planning Process. Motaleate Shahri, 2014; 3(12), 19-32.

[9] Fazeli, Ne'matollah, Feminization of City, Tehran, Elmi va Farhangi Publication. 2018 (In Persian)

[10] Fazeli, Ne'matollah, Culture and City: Cultural Turn in Urban Discourses based on Urban Studies in Tehran, Tehran, Tisa Publication. 2012 (in Persian)

[11] Farahzad M, Rafieian M, kamyab S, arghan A. Identifying the Factors Influencing the Presence and Participation of Women in Urban Space from View of Right to the City. GeoRes. 2018; 33 (1) :95-108

[12] Friedmann, John. Insurgencies: Essays in Planning Theory. Tran. By Mojtaba Rafi'ian & Moones Nazari, Tehran, Aarmanshahr Publication. 2015 (in Persian)

[13] Mernissi, Fatima. The Veil and The Male Elite: A Feminist Interpretation Of Women's Rights In Islam. Trans. By Maliheh Maghaze'I, Tehran, NashreNey Publication, 2001 (in Persian)

[14] Arjmand, Reza. Public Urban Space, Gender and Segregation: Women-only Urban Parks in Iran. United Kingdom: Taylor & Francis, 2017.

نیروهایی که در جهت ابژه‌سازی جنسی زنان و ناامن کردن فضاهای شهری برای آنان عمل می‌کند را مخل نظم اخلاقی جامعه دینی می‌شناسد. نفوذ این دو گفتمان در برنامه‌ریزی شهری و روندهای اجتماعی تحول فضاهای شهری از جمله روند مهم «زنانه شدن شهر» نقشی بنیادین و تعیین‌کننده دارد که اگرچه مورد توجه نعمت‌الله فاضلی قرار نگرفته اما در این مقاله کوشیده شد که این نقیصه مطالعاتی با قرار دادن پدیده اجتماعی زنانه شدن شهر در بستر تحولات گفتمانی-الهیاتی معاصر درباره زنان و الگوهای عینی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و حکمرانی جنسیتی فضاهای شهری جبران شود. همان‌طور که مقایسه موردی رواق امام خمینی حرم مطهر رضوی با تفکیک جنسیتی شایع مساجد نشان داد، برنامه‌ریزی و معماری شهری بسته به اینکه به لحاظ پیوندهای الهیاتی و یا اجتماعی-عادت‌واره‌ای به کدام گفتمان وابسته است، می‌تواند در جهت انقیاد سنتی زنان یا بیداری مترقی زن مسلمان عمل کند.

References:

- [1] Allmendinger, Philip, Theory of Planning, Trans. By Elham Bahman Teimoori, edited by Aaref Aghvami Moghaddam, Azarakhsh Publication, Tehran. 2010 (in Persian)
- [2] Ejlali, Parviz, Rafi'ian, Mojtaba, Asgari, Ali, Theory of planning: old and new viewpoints, Agah Publication. 2015 (in Persian)
- [3] Badamchi, MohammadHossein. Planning without Theory; The not Heard Voice of Collapse of Technocratic Planning in Iran. Public Policy, 8(1), 75-87. doi: 10.22059/jppolicy.2022.85912
- [4] Badamchi, MohammadHossein, About not heard voice of methodological practical turn of 1960s in Iran, a study in sociology of research methodology in post-revolutionary Iran,

- [15]Hakiminejad, Ahmadreza. (2016). Women Versus Cities: the Masculinity of Urban Space in Traditional and Modern Iran. Eleventh Biennial Iranian Studies Conference, University of Vienna, 2-5 August 2016.
- [16]Flyvbjerg, B, The project of planning: An interview with John Friedmann, Scandinavian Housing and Planning Research, 3:2, 103-117, 1986. DOI: 10.1080/02815738608730093.
- [17]Sadeghi, Ali & Jangjoo, Sina. (2022). Women's preferences and urban space: Relationship between built environment and women's presence in urban public spaces in Iran. Cities. 126. 103694. 10.1016/j.cities.2022.103694.
- [11] Nordbakke, S & Tim Schwanen .(2014). Well-being and Mobility: A Theoretical Framework and Literature Review Focusing on Older People, Mobilities, 9:1, 104-129, DOI: 10.1080/17450101.2013.784542